

کانون وکلای

شماره ۶۱

مهر و آبان ماه ۱۳۳۷

سال دهم

علی فتحی پور
وکیل دادگستری اهواز

کانون وکلای فرانسه

قسمت اول - تشکیلات قضائی فرانسه

اقتباس از پیرسیره (۱)

قانون فرانسه با همه نواقصی که میتوان برای آن تصور کرد بین عموم مردم آن کشور محترم است. میتوان قانون فرانسه را به کدبانوئی تشبیه کرد که در کاخ کهنی زیست میکند.

جنگ ها ، مهاجمات و انقلابات ارکان این کاخ را متزلزل ساخته تجملات و تزئینات آنرا خورد کرده است. در قرن گذشته و مخصوصاً در پنجاه ساله اخیر تعمیرات جدیدی در این کاخ شده که بطور نامنظم و ناسرتبی ساختمانهای نوینی را در پیش دیوارهای کهنه قدیمی بوجود آورده که هرگز دارای مبنای علمی و فنی نیست. با همه این تفصیلات این « کدبانو » با کمال شایستگی و وقار و بدون عجب و خودپرستی در نهایت جلال و شکوه موجودیت خود را حفظ کرده است.

وکلائی دادگستری مکمل این دستگاه ناتمامند که وظیفه آنان مبارزه برای حقیقت است. نور حق بینی اسلحه و حسن نیت سپر وکلای دادگستری است. عاده وکلای دادگستری با کمال زیرکی و هوشیاری کوشش میکنند چنانچه و جنایت را ریشه کن سازند و غالباً هم باین هدف مقدس رسیده اند.

بمنظور آنکه از عهده تشریح و توضیح وضع کانون وکلای فرانسه برآئیم لازم است بدو از تشکیلات قضائی آن کشور و عادات و رسوم و قوانین و مقررات

۱ - وکیل محاکم استیناف شهر بردو Bordeaux و رئیس سابق کانون وکلای این شهرستان

کانون وکلای فرانسه

مربوط بدان تصویری بنظر آورم. بدون توجه به سیستم قضائی فرانسه و باعدم اطلاع از آن نمیتوان بروش وکالت در آن کشور پی برد.

در ممالک قدیمی و حتی در کشور های جدید بنیاد بعضی از قوانین بر مبنای تاریخی استوار است ولی لزوم وحقانیت آن قوانین باعث بقا و دوامشان میگردد. گاهی قانونی بمنظور خاص و غرض شخص یا اشخاص معینی وضع میشود اما موجودیت خود را برای همیشه حفظ میکند.

بطور کلی تشکیلات قضائی فرانسه از زمان انقلاب کبیر آن کشور ایجاد گردیده است. فلاسفه قانونگذار آن روز از عقاید منتسکیو که قائل به تفکیک قوای سه گانه بود الهام میگرفتند. وی در روح القوانین در این باره میگوید:

« هر گاه قوه قضائیه از قوای مقننه و اجرائیه مجزا نباشد آزادی مفهوم نخواهد داشت و هر گاه قوه قضائیه با قوه مقننه کشور متصل و مرتبط باشد قوه مزبور اختیار مرک و حیات مردم را در دست خواهد گرفت زیرا مقنن و قاضی یکی است و هر گاه قوه قضائیه با مقامات اجرائی کشور ارتباط و اتصال داشته باشد قضات دارای قدرت حکام مستبد و مطلق العنان خواهند بود. »

این عقیده که ظاهری نسبتاً فریبنده دارد در قرن هیجدهم نظریه ای درست یا لاقلاً متناسب با مقتضیات روز بود چه در آن زمان مداخله مقامات اداری در مراجع قضائی مفاسد و اختلالاتی را بوجود آورده بود که بمنظور رفع آن چاره ای جز تفکیک قوا بنظر نمیرسید اما باوجود این پیروی از نظریه مزبور ایجاد مفاسد و بی نظمی های جدیدی را نمود.

بر مبنای استنتاج عقلی از عقیده فوق ابتدا محاکم عادی از قضاوت درباره امور اداری ممنوع بودند ولی بعداً چون تشکیلات اداری خود از عهده حل و فصل مشکلات قضائی خویش بر نیامدند محاکم اختصاصی بنام دادگاههای اداری بوجود آمد و باین ترتیب عملاً و بطور مؤثر قوه قضائیه از قوه اجرائیه تفکیک شد.

ولی این ترتیب در همان زمان با تناقض کاملاً آشکاری مواجه گردید زیرا که محاکم اداری مزبور تحت نظارت یک اداره قضائی قرار گرفتند که اگرچه اعضای آن از قضات معمولی نبودند ولی بهرحال جزء قوه قضائیه بشمار میآمدند.

باوجود چنین قدرتی با احترام اصل تفکیک قوا از قدیم الایام تاکنون دادرسی ها و دادگاهها از اعمال و افعال مقامات اداری کشور سماعت و جلوگیری بعمل نیآورده و نمی آورند.

بهرحال امروزه محاکم اداری وجود دارند و از زمان ایجاد تاکنون دارای آئین دادرسی خاصی بوده اند.

از اینرو دو روش قضائی متمایز که بموازات یکدیگر تکوین یافته اند و بعداً بهم آمیخته شده اند بوجود آمده است بطوریکه تا این اواخر مسئولیت های یکسان ناشی

کانون وکلای فرانسه

از حوادث اتومبیل باعتبار آنکه راننده کارمند دولت یا فرد عادی و معمولی می بود در دو دادگاه مختلف مورد رسیدگی و قضاوت قرار می گرفت.

مقتضای وجود تشکیلات قضائی در فرانسه دو قسم محکمه بوجود آورد یکی دیوان کشور که تمام محاکم اعم از عادی و اداری تحت نظارت آن قرار دارند و دیگر محاکم استیناف که محاکم عادی را کنترل میکنند.

وظیفه محکمه حل اختلاف Tribunal des conflits که اعضای آن بتساوی از میان قضات دیوان کشور و محکمه عالی استیناف انتخاب میشوند تعریف و تفسیر زمینه های قضائی است اعم از آنکه زمینه های مزبور مربوط بمحاکم عادی یا دادگاههای اداری باشند.

در درجه پائین تر از محکمه عالی استیناف بترتیب اهمیت محاکم ابتدائی یا محاکم شهرستان و محاکم صلح قرار دارند. محاکم اداری نیز در درجه پائین تر از دیوان کشور واقعند.

علاوه بر محاکم مذکوره دادگاههای اختصاصی نیز وجود دارد که در آئین دادرسی خود از مقررات خاصی تبعیت می کنند که تفصیل درباره آنها از موضوع این بحث خارج است.

غیر از امنای صلح که حدود اختیارات آنان از قدیم الایام تا کنون طی قوانین و مقررات خاصی معین و مشخص شده است صاحب منصبان قضائی بدو دسته متمایز تقسیم میشوند یکی قضات نشسته Magistrature assise که وظیفه قضاوت را عهده دارند و دیگر قضات دادرسی Magistrats du parquet یا قضات ایستاده Magistrature debout که تشکیلات دادرسی را اداره میکنند و وظیفه اساسی آنان نظارت در اجرای قوانین و تقاضای اجرای آنها است.

قضات دادرسی اساساً علاوه بر آنکه در امور کیفری بلحاظ آنکه مدعی العموم هستند در امور مدنی نیز دارای وظایف اداری از قبیل نظارت بر اجرای قوانین و تشریفات قانونی و کنترل ثبت وقایع چهارگانه ولادت فوت و ازدواج و طلاق و حمایت و سرپرستی محجورین میباشند.

قضات دادرسی باسلسله مراتب تحت نظارت دادستانهای استان و وزیر دادگستری هستند و قانوناً فاقد استقلال قضائی و قابل عزل و نصبند در حالیکه قضات محاکم برای مدت عمر منصوب بکار شده مستقل و غیر قابل عزلند شورای عالی قضائی Conseil Supérieur de la Magistrature که مستقل از دستگاههای دولتی است کنجکاوانه استقلال و عدم قابلیت عزل قضات را مراقبت مینماید معهذا عملاً بنا بر مقتضیاتی قضات محاکم از مقام خود بمقام قضات ایستاده انتقال یافته یا کسر درجه و یا ترفیع رتبه پیدا می کنند.

راه ترقی تمام قضات دادرسی تا دادگاه عالی استیناف و عالیترین درجه شغلی آنان باز است. بجز بعضی موارد نادر و استثنائی قضات دادرسی از میان وکلای دادگستری

کانون وکلای فرانسه

یا کارآموزانی که لا اقل دو سال سابقه وکالت داشته و اختبار مخصوصی از ایشان بعمل آمده و گاهی از میان وکلانی که ده سال سابقه کار داشته باشند بدون اختبار انتخاب میشوند با وجود این نباید پنداشت که میزان رسوخ و نفوذ جامعه وکلای فرانسه در دستگاه قضائی این کشور بدرجه انگلستان است .

تقریباً تمام دادستانان از سن بیست و پنج سالگی شروع بکار می کنند و موظفند بطور منظم در جلسات کنفرانس های کارآموزی حاضر شده براهنمائی رؤسای کانون های وکلای کمال توجه را مبذول داشته آداب و رسوم و مقررات کانون را بخوبی بدانند بعضی از آنان میتوانند با شرکت در جلسات سخنرانی کارآموزان و اختیارشغل افتخاری دادیاری کسب شهرت کنند وغالباً حتی قبل از امتحان لازم بمقام دادیاری یعنی معاونت دادستانهایی که سمت تقریر نویسی آنان را عهده دار بوده اند میرسند .

قضات دادسرا بقول داگسو d'Agusseau (در ۱۷۰۲ میلادی) مصداق عبارات کتاب مقدس میباشد که می گوید:

« قضات روی زمین شما خداوندان روی زمین و فرزندان خدای علی اعلایید »

این کارآموزان رفته رفته در عمل تجربیاتی اندوخته میسازند و این روش تعلیماتی را رضایت بخش ترین روشها می دانند . روابط آنان با وکلا بلحاظ سابقه تعلیماتی و مهمتر از آن تماس روزانه با ایشان صمیمانه و نزدیک میماند .

وکلای دادگستری فرانسه دادسرا را محترم می شمارند و از آن دفاع می کنند و گاهی که عواملی باعث خفت آن میشود آزرده خاطر می گردند و برعکس موقعی که اثر افتخار آمیزی از آن بظهور میرسد شادمان میشوند .

از آنچه درباره تفکیک قوا گفته شد معلوم می گردد که محاکم کارمندان دولت محاکمی اختصاصی و مجزا از محاکم عمومی می باشند کارمندان این دادگاهها یا از میان اعضای عالیرتبه ادارات دولتی انتخاب می شوند و یا از میان بهترین فارغ التحصیلان آموزشگاه ملی اداری که در امتحانات خودگویی سبقت را از همگان ربوده باشند .

در فرانسه محاکم اداری علاوه بر وظیفه قضائی مشاور دولت نیز بوده اعضای آن در امور مهم اداری صاحب مقام و منصب هستند و بعضی از آنان عنوان قدیمی و جالب توجه مخبر شورای دولتی *Maitres de requêtes* را دارا می باشند .

برخی دیگر از قضات محاکم اداری نیز از میان فارغ التحصیلان آموزشگاه اداری انتخاب می شوند ولی بطور کلی قضات مزبور را مستقیماً وزارت کشور بکار منصوب میسازد .

در فرانسه بعضی از دادگاهها را یک نفر و برخی را چند نفر قاضی اداره میکنند . امین صلح و قضات دادگاههای شهرستان و محاکم بازرگانی و محاکم اداری به تنهایی بر مسند قضا می نشینند و همگی در عرض یکدیگر واقعدند . در تمام محاکم دیگر محکمه از چند نفر قاضی تشکیل می یابد .

کانون وکلای فرانسه

قضاوت قاضی منفرد در چند ساله اخیر بکرات در محاکم عادی فرانسه مورد آزمایش قرار گرفته است ولی بطور کلی هم جامعه وکلای فرانسه و هم دادسرا با این روش موافقت ندارند شاید هم بخطا میروند زیرا یک قاضی خوب ممکن است بهترین قضاوت را که از عهده چندین قاضی که با یکدیگر شور کنند ساخته نباشد بکند .

در سیستم قضائی فعلی فرانسه گاهی هنگام غیبت قاضی دادگاه شهرستان از وکلا دعوت میشود که در دادگاه شهرستان یا استان و حتی در دادگاه اداری بجای قاضی غائب رسیدگی و اظهار نظر نمایند. اساساً این افتخار نصیب وکلای مسن حاضر در دادگاه نمیشود گاهی هم از وکلا دعوت بعمل می آید که بجای امین صلح رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید که در اینصورت بالانفراد انجام وظیفه می کنند .

در هیئت منصفه وپاره ای از محاکم اختصاصی قضاوت بداد رسانی محول میشود که نه جزء دستگاه قضائی و نه از سلک وکلای دادگستری هستند .

در قضاوتهای عادی اساساً رسیدگی ماهوی در دو مرحله بدوی که به تناسب طبیعت و اهمیت آنها یا بوسیله امین صلح *Juges de paix* و یا قاضی دادگاه شهرستان انجام می گیرد و دیگری مرحله استینافی که مرجع آن در مورد قضائاتی که نزد امین صلح مطرح شده اند دادگاه شهرستان حوزه قضاوت وی و اگر در دادگاه شهرستان مورد رسیدگی قرار گرفته اند دادگاه استان محل وقوع آن می باشد. محاکم استیناف مرجع پژوهشی دادنامه هائی هستند که از دادگاه شهرستان صادر میشوند .

حضور مشاورین حقوقی در دادگاه بخش (نزد امین صلح) اختیاری و در امور مدنی در دادگاه شهرستان و استان اجباری است اما حضور وکلای دادگستری در کلیه دادگاهها اجباری می باشد .

صلاحیت رسیدگی دادگاههای بخش و شهرستان در امور مدنی معین و مشخص است . بطور کلی در مورد دعوی ضرر و زیان و خسارات و قایعی از قبیل طلاق ، حقوق ابوت و نسب و دعاوی فیما بین موجر و مستأجر و دعاوی راجعه باموال منقول ، تنفیذ وصیتنامه ها دعاوی راجعه بترکه متوفی ، اختلافات ناشی از ازدواج و گاهی هم امور مربوط بشرکت ها و کارخانه ها (علائم تجارتي و حق اختراع) این محاکم مداخله مینمایند . بدعاوی بین بازرگانان در مرحله بدوی در محاکم تجارت و در مرحله استینافی در دادگاههای استیناف رسیدگی میشود .

اعضای این محاکم که از قرن شانزدهم میلادی تأسیس یافته اند عموماً از میان بازرگانان انتخاب میگردند . درپاریس و در بعضی شهرهای بزرگ دیگر تجار ورؤسای کارخانه ها انتخاب خود را در محاکم تجارت نشانه فخر و مباهات خود میسرند و غالباً اطلاعات قضائی وسیعی بدینمنظور اندوخته میسازند و باتجربیات کافی که در امور اقتصادی و بازرگانی دارند کوشش میکنند امور محوله را از روی وجدان و با کمال صداقت انجام دهند .

کانون وکلای فرانسه

در تمام شهرستانهای فرانسه محاکم تجارت وجود ندارد. در شهرستانهایی که فاقد این قبیل محاکمند با موروبازرگانی در دادگاههای عادی رسیدگی میشود. قضایای مربوط به ارز، حقوق دریائی، شرکتها و رقابتهای مکارانه که قوانین مربوطه بدانها در فرانسه تکامل و توسعه قابل توجهی یافته تماماً در محاکم تجارت رسیدگی میشوند.

وکلا و مشاورین حقوقی الزامی در حضور باین محاکم ندارند ولی عملاً طرفین دعوی بجای حضور خود وکلای خویش را بدادگاه اعزام می دارند مشاورین تجارتمی نیز نقش مهمی در جامعه وکلای فرانسه ایفا می نمایند.

محاکم کارگری Conseil de prud'hommes که درباره دعوی کارگران رسیدگی مینمایند از تشکیلات دادگاههای بازرگانی و از جمله تأسیسات نسبتاً قدیمی قضائی بشمار میروند و با توسعه روزافزون مقررات اجتماعی و امتیازات کارگری وسعت می یابند. هرگاه چنانکه غالباً پیش می آید در شهری دادگاه کارگری وجود نداشته باشد بقضایای مربوطه دادگاه شهرستان آن محل رسیدگی خواهد کرد. محاکم کارگری و محاکم بازرگانی جنبه اختصاصی دارند یعنی فقط بموارد خاصی رسیدگی می کنند ولی در عین حال کار در این محاکم فوق العاده متراکم میباشد.

جدیداً محاکم اختصاصی دیگری نیز بوجود آمده که قضات آنها منسوب بطرفین دعوی هستند یعنی قضات نمایندگی اصحاب دعوی را دارند. محاکمی هم وجود دارد که باختلافات ناشی از اجاره و استیجار اراضی زراعتی رسیدگی میکنند. قضات دیگری نیز در مسائل متنازع فیه اجتماعی اظهار نظر می کنند و انتخابی هستند.

مجال شرح و بسط درباره محاکم کیفری و ارائه تصویر کاملی از آنها در این مختصر نیست. صرف نظر از محاکم اختصاصی که کارشان کم است (محاکم نظامی، محاکم سیاسی، محاکم انضباطی، محاکم دریائی) تشکیلات قضائی فرانسه از نظر جزائی فوق العاده ساده و مبنای آن تشخیص بین سه امر است.

اول خلاف Contravention که دارای مجازات خفیف زندان در حدود چند روز می باشد.

دوم جنحه Delit که دارای کیفر غرامت نقدی و گاهی هم ممکنست مبلغ آن گزاف باشد بعلاوه مجازات زندان که ممکنست تا چندسال برسد.

سوم جنایت Crime که مجازات آن حبس تریبی Détention aggravée (زندان موقت یا زندان با اعمال شاقه) است و گاهی ممکن است حبس ابد یا اعدام باشد. بهر یک از این جرائم در محکمه جزائی مربوطه رسیدگی بعمل می آید. امنای صلح بعنوان قاضی محکمه خلاف Juge de simple police و رؤسای دادگاه شهرستان قائم مقام قضات محاکم جنحه Tribunal correctionnel شده به قضایای کیفری رسیدگی می نمایند و بطور کلی قضات محاکم جزائی همان قضاتی هستند که در دادگاههای مدنی شاغل مقام قضامی باشند مگر در شهرستانهای بزرگ که شعب خاصی از محاکم بالا اختصاص باسور جزائی رسیدگی می نمایند.

کالون وکلای فرانسه

به جنایات در مقابل دادگاههای جنائی Cour d'assise با حضور هیئت منصفه رسیدگی بعمل میآید.

این محاکم معمولاً هر سه ماه یکبار در یکی از شهرهای عمده هر استان Department از سه قاضی متخصص و از هیئت منصفه‌ای که از ستمدین محلی هستند تشکیل جلسه می‌دهد. تصمیمات این دادگاهها نتیجه اشتراك مساعی قضات دستگاه دادگستری و هیئت منصفه در جلسه واحد میباشد. ریاست این دادگاهها همیشه باریاست محکمه استیناف است. هیئت منصفه رأی خود را موجه و مستدل صادر نمی‌کند بلکه مجملآ اظهار عقیده بر مجرمیت یا برائت متهمان مینماید و بدین سبب گاهی احکام آن درهم و بی اساس است.

آندره موریس André Mouriss در این باره می‌نویسد « سیستم قضائی انگلستان کش‌دار و قابل انعطاف است زیرا که « دلایل را از عرصه قضاوت خارج ساخته است » احتمالآ انگلیس‌ها هم نظیر همین انتقاد را از روش قضائی فرانسه می‌کنند و حق هم دارند.

تحقیقات ابتدائی قضایای جنائی بقضاتی محول میشود که از میان قضات نشسته انتخاب میشوند. وظیفه این قضات جمع‌آوری کلیه ادله مثبت و اتهام است بطوریکه دادگاه با اتکاء بآن دلایل باسانی بتواند وظیفه خود را انجام دهد.

قضات مزبور که قضات تحقیق Juge d'instruction نامیده میشوند در فرانسه تنها مرجع قضائی هستند که اختیار جمع‌آوری دلایل له و علیه متهم و تحقیق از جرائم را دارند. قضات تحقیق پیرونده امر پای‌بند نیستند بلکه قبل از تشکیل پرونده و در اثنای آن اختیار کافی دارند مجدانه در کشف حقیقت اقدام نمایند و برای این منظور از قوای انتظامی استفاده می‌کنند.

قضات تحقیق میتوانند دستور بازرسی و بازجویی صادر نمایند یا عقاید کارشناسان را مورد استفاده قرار دهند. شاکی می‌تواند همگام با قاضی تحقیق در جریان تحقیقات مداخله نماید و از جریان پرونده مستحضر شود ولی متهم چنین حقی را ندارد و فقط حق دارد در هنگام تحقیقات مشاور قضائی خود را بمنظور نظارت در امر بازرسی همراه خویش بیاورد. قاضی تحقیق پس از تفهیم اتهام و ارائه مستندات به متهم از وی تحقیقات لازم را بعمل می‌آورد.

نظر نهائی قاضی تحقیق این نیست که آیا شخص متهم مجرم است یا نه بلکه نظر او این خواهد بود که آیا می‌توان ظن و گمان ارتکاب جرم را نسبت بوی داشت که در اینصورت ضمن صدور قرار مجرمیت Ordonnance de renvoi برای محاکمه بدادگاه صلاحیتدار میفرستد و در غیر اینصورت متهم را ضمن صدور قرار منع تعقیب Ordonnance de non lieu پی‌گرد را موقوف میسازد.

قانوناً در مرحله بازرسی تحقیقات باید محرمانه باشد اما موارد بسیاری یافت میشود که مع الاسف این اصل رعایت نشده تحقیقات مقدماتی را در مطبوعات منتشر ساخته‌اند.

کانون وکلای فرانسه

در میان اعضای دستگاه قضائی فرانسه بازپرسان ستارگان درخشانی هستند که در ظلمت تشخیص واقع راهنمای قضات محاکم می‌باشد چه پس از انجام وظیفه آنان وقتی که قضیه در دادگاه مطرح میشود باغلب احتمال می‌توان گفت که متهم همان مرتکب واقعی جرم است هرچند هم مستحق اصدار حکم برائت باشد. وظیفه بازپرس فوق‌العاده مشکل و سنگین است.

از دستورات و قرارهای صادره از طرف قضات تحقیق فقط در مورد خاصی ممکنست شکایت کرد. مرجع شکایت از قرارهای صادره از طرف بازپرسان شعبه ای از دادگاه استان *Chambre des mises en accusation* است و اخیراً اختیارات و میعتری را قوانین برای آن ایجاد کرده اند.

عموماً محاکم عادی اعم از مدنی و جزائی در درجه پائین تر از محکمه عالی استیناف *Cour d'appel* قرار دارند این مرجع عالی همیشه بماهیت قضایا رسیدگی مجدد میکند وغالباً احکام محاکم بدوی را که بعلت نقض قوانین و مقررات یا اشتباه در تطبیق مواد قانون خلاف حق صادر شده است فسخ میسازند.

هیچکس را در بادی امر باین دادگاه راه نمیدهند مگر آنکه قبلاً یکبار بدعوی وی در دادگاه صالحه رسیدگی بدوی شده باشد. درحقیقت محکمه عالی استیناف قانون را زنده میکند زیرا عبارات قانونی پس از وضع و تصویب بصورتی جامد و خشک درمیآیند و فقط تعبیر و تفسیر این دادگاهها است که میتواند بآنها حیات نوینی بخشد از اینرودادگاههای استیناف هم محترم وهم شایسته احترامند.

حال این مسئله پیش بیاید که آیا دادگاههای استیناف در قضاوت های خود مرتکب خطائی هم میشوند؟ هرگز خطائی از این دادگاهها دیده نشده مگر آنکه محمول بر نظر قضائی *La doctrine* باشد.

چند سال قبل دادستان برجسته ای در پرونده ای که مربوط به اتهامی ناشی از تخلفات دریائی بود در مقابل دادگاه عالی استیناف پاریس موفق به کشف تخلفی از قضات آن دادگاه گردید و خطاب بدادگاه اظهار داشت « این امر عدم قابلیت قضات را میرساند » و اضافه کرد « با ملاحظه این تخلف قاضی از یک ملوان بی اثرتر است. ما در میان اصول غوطه وریم و در آسمان ما گاهی برای راهنمایی ستارگان درخشان قطبی یافت میشوند » گوینده این مجاز معما آمیز اکنون خود در دادگاه عالی استیناف همدوش قضات آن دادگاه نشسته و مشغول انجام وظیفه است.

موضوعی که در اینجا باید بعنوان آخرین مطلب مورد بحث قرار گیرد موضوع محاکم اداری است. نقش این محاکم روز بروز مهم تر میشود زیرا فعالیتهای روز افزون مملکتی مسائل بیشمار اداری امروزه مقتضی وضع قوانینی است که از سازمان و اداره امور عمومی کشور خارج است نکات مبهم قانونگذاری درباره امور عمومی و اسوال دولتی و مسائل مربوطه با امور مالی و همچنین دعاوی مربوط به خدمات دولتی و انتخابات عمومی تماماً مسائلی است که باید در محاکم اداری حل و فصل شود.

کانون وکلای فرانسه

تا این اواخر دیوان کشور مانند یک محکمه بقضایای مزبور رسیدگی ماهوی میکرد تنها بعضی از امور در شورای استانها طرح میشدند بدون آنکه در مرجع استینافی قابل رسیدگی باشند. اما تراکم کارها در دیوان کشور باعث گردید که حوزه صلاحیت آن وسعت یابد و رسماً قلمرو صلاحیت شورای استانها توسعه پیدا کند و رفته رفته بصورت یک محکمه اداری درآید.

امروز بیست و چهار دادگاه از این قبیل در کشور فرانسه وجود دارد. تصمیمات این محاکم در دیوان کشور مورد رسیدگی قرار میگیرد که باوجود این موارد رسیدگی بدوی میکند. باید دانست که نظارت محاکم اداری بر دستگاههای اداری بدون شک مؤثر است صرفنظر از ابهام دستگاه قضائی و شکایات ناشی از قضاوت جای بسی تأسف است که اصحاب دعوی باید مدتها سرگردان باشند تا قضیه مطروحه از طرف آنان منتهی بصدور حکم گردد.

در محاکم اداری جریان دعوی به تبادل لوایح انجام میگیرد و حال آنکه در محاکم تجاری و محاکم کارگران بدعاوی بطرز اختصاری رسیدگی بعمل می آید در سایر محاکم اعم از مدنی و جزائی بدوی و استینافی در اطراف دعوی می توان کتباً و شفاهاً دفاع و اقدام نمود.

این مسئله که آیا بیان شفاهی دعوی مؤثرتر و نزدیکتر بصواب است یا توضیح کتبی آن در فرانسه بین اهل فن ایجاد مباحثات زیادی را کرده است. بهرحال باید دانست که قضات فرانسه شخصاً نمی توانند جهت اصحاب دعوی تحصیل دلیل نمایند فقط همانطور که اشاره شد باز پرس تنها قاضی است که حق دارد تحصیل دلیل کند بقیه قضات یا بااستماع بیانات اصحاب دعوی و یا با استفاده از مندرجات لوایح آنان باید بقضایا رسیدگی نمایند در فرانسه اصحاب دعوی ترجیح میدهند که قضات بیانات آنانرا استماع کنند زیرا با توجه بتراکم کارهای دادگاهها تردید دارند که داد رسان وقت و فرصت آن را پیدا کنند که لوایح آنانرا مطالعه نمایند.

در محاکم شهرستان و محاکم استیناف معمولاً مشاورین حقوقی بوسیله وکلا تبادل لوایح می کنند. این لوایح متضمن یک سلسله استدلالات و مستندات است که قاضی بر مبنای آن باید رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید.

در محاکم تجاری و محاکم کارگران تبادل لوایح انجام نمی گیرد معیناً در مسائل مهم وکلای دادگستری لایحه مفصلی تهیه کرده پیوست مدارک و مستندات و نظریات کارشناسان و اطلاع مطلعین کرده قبل از توضیح شفاهی در باره دعوی تقدیم دادگاه مینمایند.

این لایحه جایگزین اظهارات شفاهی آنان خواهد بود. تهیه و تقدیم این لوایح در فرانسه از فنون مخصوصه وکلای دادگستری است. قاضی میتواند باسانی از این لوایح مستندات و ادله مثبت دعوی و نقاط روشنی را که در کشف حقیقت مؤثرند بدست آورد

کانون وکلای فرانسه

پس از استماع اظهارات وکلا قضات پرونده امر را بدقت مطالعه کرده ختم رسیدگی را اعلام و فی المجلس یا بفاصله چند روز بانشاء رأی مبادرت میورزند .

قضات محاکم دادگستری فرانسه بجز در موارد محاکمات جنائی کمتر با طرفین دعوی و شهود تماس پیدا می کنند . آئین دادرسی فرانسه با انگلیس تفاوت فاحشی دارد استعداد وکلای انگلستان در اقامه شهود Examination و بازجویی از گواهان ظاهر میشود در حالیکه وکلای فرانسه ارزش و قابلیت خود را در خطابه ها و سخنرانیهای خود بمنصه ظهور میرسانند .

در امور مدنی قضات گاهی شهود را حتی بچشم هم نمی بینند بلکه گواهی آنان قبلاً بطور منجز در حضور یکی از داد رسان ادا شده بوسیله تقریر نویس دادگاه از آن صورتجلسه ای تهیه گردیده است این صورتجلسه غالباً حاوی عین اظهارات شاهد نبوده بلکه مفهوم و ملخص بیانات او است بنا بر این قضات مبنای استنباط خود را بر شهادتی می گذارند که هم تحریف شده و هم در غالب الفاظ و عبارات خشک انجاماد یافته است بعلاوه از زمان صدور فرمان قدیمی پارلمان تولوز Toulouse که حاکمیت و قدرت آن با فرمان دیگری بنام فرمان مولن Ordonnace de Moulins (۱۵۶۶ میلادی) تحکیم گردید . در فرانسه همواره این اصل جاری بوده که « مستندات کتبی از گواهی

شفاهی مؤثر تر و قابل اعتماد تر است » *Lettres passent témoins*

از اینرو اثبات قضایا بوسیله شهادت کتبی را بر اثبات بگواهی شفاهی ترجیح می دهند و حال آنکه در انگلستان مانند رم قدیم عکس این قاعده جاری است کدامیک از ایندو قاعده متضاد درست تر است ؟ آیا اظهاری که یک حقیقت زنده را بارز و آشکار میسازد هر چند ضمن شهادت مضطربانه و متزلزلی بیان شده باشد از تعبیر منجمدی که در حضور صاحب منصب قضائی بی علاقه ای (بی علاقه از اینرو که بالمآل او قاضی آن قضیه نیست) کمتر قضات را بوادای گواهی می کشاند ؟ آیا کسی که حاضر می شود شهادت خود را روی کاغذ بیاورد و ثبت و ضبط نماید از کسی که آن را شفاهاً اظهار می دارد راستگو تر است ؟ شاید جواب این سؤالها که مربوط با عمیق روان افراد بشر است بسادگی و بی زحمت امکان پذیر نباشد .